



دانشگاه الزهرا

نشریه علمی  
تخصصی انجمن  
علمی دانشجویی  
فقه و مبانی  
حقوق اسلامی

# میزان

شماره بیست و پنجم، فصلنامه بهار ۱۴۰۲

# زنان



# درپناه حمایت قانون



## نشریه علمی تخصصی انجمن علمی دانشجویی فقه و مبانی حقوق اسلامی

سخن سردبیر ۳

۴ بررسی حمایت‌های قانونی از حقوق قربانیان خشونت‌های خانگی

۱۱ مقایسه‌ی تطبیقی حقوق زنان شاغل در ایران و کانادا

۱۵ بررسی حقوقی طرح ممنوع الخروجی دانشجویان

۱۸ بایسته‌های قراردادنویسی میان مالک و مستاجر

۲۰ بررسی وضعیت حقوق زنان زندانی و کودکان آن‌ها

۲۲ اهمیت تسلط بر زبان تخصصی حقوق در قرارداد ورزشی

# میزان

شماره ۲۵

**صاحب امتیاز:** انجمن علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی

**زیر نظر معاونت فرهنگی دانشگاه الزهرا (س)**

**استاد راهنما:** دکتر زهرا سادات میرهاشمی

**کارشناس نشریات:** سرکار خانم زهرا نعمتی

**مدیر مسئول:** ساجده سادات موسوی

**سردبیر:** اسما میری


**مشاور سردبیر:** آمنه چیری‌ها


**هیأت تحریریه:** اسما میری، دکتر نازیلا دباغ،

محدثه ملک زاده، یکتا کرمی، الهه حاجی حسینی

**طراح و صفحه‌آرا:** منیژه ضربابی

**ویراستار:** آمنه چیری‌ها

 [mizan.magazine17@gmail.com](mailto:mizan.magazine17@gmail.com)

 @mizan.magazine

**نشانی:** تهران میدان ونک، میدان شیخ بهایی، دانشگاه الزهرا (س)

## سخن سردبیر

بسم رب القلم

عرض سلام و ارادت خدمت همراهان ارجمند نشریه میزان گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه الزهرا (س)

ضمن تبریک سال جدید و ورود به فصل نوین بهار، در این فصلنامه به حقوق؛ زنان، کودکان، دانشجویان و اهمیت قرارداد نویسی می پردازیم.

بر این باور و اعتقاد هستیم که گرد هم آمدیم تا به اندازه بضاعت خویشتن راه را هر چه بیشتر سوی باور به زنان و توانمندی‌ها و قابلیت آنان در ساختن جامعه‌ای پایدار و سرشار از صلح و آرامش هموار سازیم

و خدا را شاکریم که با همکاری دانشجویان مشتاق و علاقه‌مند امکانی فراهم شده در حوزه زنان و حقوق آن‌ها گامی دیگر برای رسیدن به جامعه‌ای پایدار برداشته شود.

امیدواریم با علاقه‌مندی دوستان مشتاق بتوانیم ادامه مسیر را هموار طی کنیم.

اسما میرک

دانشجو کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

# بررسی حمایت‌های قانونی از حقوق قربانیان خشونت‌های خانگی



نازیلا دباغ

پژوهشگر دکترا حقوق جزا و جرم‌شناسی

در چند دهه اخیر یکی از موضوعات مهم حقوق بشری، خشونت‌های خانوادگی است. ارتکاب خشونت خانگی به دلیل گسترش در کشورهای مختلف و به دلیل آسیب‌های جدی مورد توجه دولت‌ها در دو حوزه داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. این امر منجر به این پرسش شد که نقش مداخله دولت‌ها در خشونت خانگی چگونه است؟

بررسی خشونت با مشکلاتی همراه است. چون پژوهشگر باید وارد حوزه خصوصی خانواده شود و نبود آمار دقیق در خصوص افراد در معرض خشونت جزء محدودیت‌های دیگر در این زمینه است. بسیاری از دیدگاه‌های نظری، عوامل موثر در بروز خشونت را ویژگی‌های فردی و یا در سطح خانوادگی در نظر می‌گیرند. نظریه پردازان فمینیست تبیین‌های فردی یا خانوادگی را در باب خشونت کافی ندانسته و بر وجود ساختار نابرابر روابط قدرت تاکید دارند.

برخی معتقدند به دلیل نبود نهادهای نظارتی در خانواده، باخشونت روبه رو هستیم. شوهر در قبال زن، پدر و مادر در قبال فرزندان یا فرزندان بزرگتر در قبال کوچکترها ممکن است از خشونت برای حفظ کارکرد خود استفاده کنند. بنابراین هر یک از اعضای خانواده می‌توانند نسبت به دیگری به رفتار خشونت آمیز دست بزنند. نظریه‌ی سیستمی نیز تاکید می‌کند که خشونت پدیده‌ای تک عاملی نیست. در این میان خصوصی بودن محیط خانواده قابل احترام است که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تحت عنوان «تضمین حق زندگی و روابط خانوادگی» به آن پرداخته شده است.

بنابراین با وجود این که حفظ حرمت زندگی خانوادگی و جلوگیری از مداخله در آن امری مطلوب است اما برخی معتقدند این مساله در مورد خشونت‌های خانوادگی اثر منفی دارد. دو دیدگاه در این رابطه مطرح است: ۱- بعضی متوسل شدن به قوانین کیفری در مقابله

با خشونت خانگی را قبول ندارند و تاکید بر سازش، میانجی‌گری یا روش‌های درمانی و یا خدمات رفاهی دارند و استفاده از قوانین کیفری را تنها در شدیدترین موارد خشونت و به مثابه آخرین راه حل می‌دانند. ۲- طرفداران این دیدگاه درگیری خانوادگی را جرم تلقی کرده و خواهان برخورد با پدیده خشونت خانوادگی به شیوه مشابه برخورد با جرایم دیگر می‌باشند. طرفداران دیدگاه برخورد کیفری مدعی‌اند که رسیدگی جزایی نشان خواهد داد که وقوع جرم در خانه تنها یک مشکل اجتماعی نبوده و جرمی همانند دیگر جرایم است و نتیجه آن کاهش تکرار جرم است.

در سال‌های اخیر تعداد کشورهای حمایت از روش دادرسی کیفری را در موارد برخورد با سو رفتار خانوادگی پذیرفته‌اند، رو به افزایش است. افراد قربانی خشونت‌های خانگی راه حل‌های قانونی از جمله طلاق، اقامه دعوی تخلف مدنی و توسل به قوانین کیفری را پیش رو خواهند داشت. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که مساله خشونت‌های خانگی صرفاً یک مسئله حقوقی نیست بلکه یک مشکل اجتماعی نیز هست؛ مشکلی که نظام حقوقی به تنهایی قادر به حل آن نیست. راه حل‌های حقوقی مختلفی که در کشورهای مختلف جهان برای مقابله با مشکل خشونت خانگی اتخاذ شده، متفاوت است. علی‌رغم این که برخورد با این مساله بسیار مشکل است، لیکن حل ناشدنی نیست از آن جاکه مشکل خشونت پیچیده و چندجانبه است راه حل‌های آن نیز باید به همین ترتیب دارای جوانب مختلف باشد. راه حل‌هایی که باید به طور هماهنگ به کار گرفته شوند. مثل اجرای برنامه‌هایی برای تغییر نگرش در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و ... این برنامه‌ها عبارتند از: تحقیق و پژوهش و سیستم حقوقی پاسخگو، آموزش و ... البته در زمینه خشونت خانگی رویکردها باید دارای

قابلیت انعطاف باشد تا بتوان میان هردو رویکرد هماهنگی ایجاد نموده و هدف هر برنامه‌ای را حمایت از افراد خانواده قرارداد.

از گذشته تا به امروز در دنیا رویکردهای متفاوتی درباره‌ی مداخله دولت در نهاد خانواده وجود داشته است. امروزه اعمال نفوذ دولت‌ها نسبت به گذشته بیشتر شده است. دولت به مثابه مهمترین نهاد سیاستگذاری با برخورداری از قدرت سیاسی، اجرایی و منابع مالی نقش مهمی در پاسخ به آسیب‌های خانواده دارد.

مداخله دولت‌ها در عرصه نهاد خانواده تا چه حد می‌تواند از میزان خشونت خانگی بکاهد؟ در نظریه‌ی مداخله‌ی حداقلی دولت در نهاد خانواده، مداخله‌ی دولت جز در شرایط محدود صحیح نیست. دخالت‌های محدود در زمانی است که خانواده با مشکل جدی مواجه شود و خواهان حمایت دولت باشد. نظریه‌ی مداخله‌ی حداکثری دولت در نهاد خانواده، به علت وجود برخی آسیب‌های خانوادگی مانند خشونت‌هایی که نسبت به زنان و کودکان اعمال می‌شود، باور به مداخله‌ی بیشتر دولت‌ها در نهاد خانواده داشته و مداخله‌ی دولت در نهاد خانواده را موجب حفظ و ثبات خانواده می‌داند. اما برخی معتقدند مداخله‌ی زیاد دولت در نهاد خانواده کارکردهای خانواده را از بین می‌برد. نظریه‌ی مداخله‌ی مطلوب در نهاد خانواده معتقد است که میزان مداخلات دولت در نهاد خانواده، باید حداقلی، ضروری و جنبه‌ی حمایتی حداکثری داشته باشد.

### انواع خشونت خانگی

خشونت خانگی علیه زنان، بنابر تعریف سازمان ملل عبارت است از: «هر نوع عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که منجر به آسیب جسمی، جنسی و روانی به زنان شود.» مطابق این تعریف انواع خشونت خانگی عبارت‌اند از:

خشونت جسمی؛

خشونت جنسی؛

خشونت عاطفی و روانی؛

خشونت کلامی.

همچنین اخیراً مصادیق دیگری از خشونت از جمله خشونت اقتصادی نیز جزء این دسته‌بندی قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، مواردی مانند ازدواج اجباری، و ازدواج و بارداری دختران زیر ۱۸ سال نیز از مصادیق خشونت خانگی علیه زنان محسوب می‌شوند.



### راهکار های قانونی پیشگیری از خشونت خانگی

در قوانین ایران در حوزه خشونت خانگی قوانینی به تصویب رسیده است که برخی از آن‌ها به خشونت در محیط خانه می‌پردازند.

### قانون مدنی

در قانون مدنی ایران، در بخش مربوط به حقوق خانواده در چند مورد محدود به مسئله خشونت پرداخته شده است. بر اساس ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، اگر زنی در منزل مشترک با همسر خود مورد ضرر جانی، مالی یا شرافتی قرار گیرد، می‌تواند خانه همسر خود را ترک کند، بدون اینکه ناشزه (زنی که وظایف زناشویی‌اش را بدون عذر شرعی یا قانونی انجام نمی‌دهد) محسوب شود (نشوز)؛ در مقابل، مرد نیز موظف است که همچنان نفقه زن خود را بپردازد.

همچنین مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، یکی از مواردی که مطابق آن زن می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق نماید، ضرب و شتم و خشونت جسمی همسر علیه اوست. قانون حمایت از

خانواده در این موضوع ساکت است.

## قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی به‌طور اختصاصی به خشونت خانگی علیه زنان پرداخته نشده است. فقط در صورتی که اقدامات صورت گرفته مطابق موازین این قانون جرم باشد (مثلاً ضرب و شتم)، دارای مجازات و البته دیه خواهد بود.

البته شاید در اینجا ذکر ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ثمربخش باشد، هرچند که موضوع بحث ما در خصوص خشونت خانگی است. مطابق این ماده، «هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

## خلاءهای قانونی

لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار»، در ماده ۱ بیان می‌کند:

«تمامی زنانی که در قلمروی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران حضور یا سکونت داشته باشند فارغ از قومیت، دین، مذهب و دیگر ویژگی‌های فردی و اجتماعی، در برابر هرگونه آسیب ناشی از سوءرفتار فرد دیگری که به بدن، روان، حیثیت، حقوق و آزادی‌های قانونی آنان واردگردد، از تدابیر پیشگیرانه، حمایتی و کیفری این قانون برخوردار می‌شوند.»

این لایحه با وجود بیان اقسام خشونت نسبت به زنان، تعریفی از «خشونت» و «خشونت خانگی» ارائه نمی‌دهد و با این وصف ارائه تعریفی قانونی از خشونت خانگی نسبت به زنان، در مبانی تقنینی به‌ویژه در لایحه مذکور به عنوان مبانی مهم سند حمایتی از زنان، مورد غفلت قرار گرفته است. ذکر این نکته در اینجا لازم است که در باب تعریف خشونت در لایحه مذکور، میان صاحب‌نظران

حوزه زن و خانواده، اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. برخی بر این عقیده هستند که واژه‌های «امنیت» و «کرامت» واژه‌های درون دینی محسوب می‌شوند. اما واژه‌ی «خشونت» در ادبیات فمینیستی کاربرد دارد و در بعضی موارد معنایی که برای آن در نظر می‌گیرند، با احکام شرعی و اسلامی در تضاد است. طرفداران این نظریه بر این باور هستند که تاکید لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» بر خانواده محوری است و برخی از مصادیقی که طرفداران فمینیسم به عنوان خشونت مطرح می‌نمایند، به دلیل رویکرد فردگرایانه آنان است.

با این وجود، بررسی قوانین در حوزه‌ها و ادوار مختلف نشان می‌دهد؛ مبهم یا مسکوت ماندن تعاریف واژه‌ها یکی از علل اصلی و مهم به‌وجودآمدن چالش‌ها و مشکلات در اجرای قوانین محسوب می‌شود.

البته لازم به ذکر است قانون «پیشگیری از وقوع جرم» مصوب ۱۳۹۴ به‌طور کلی به پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و سیاستگذاری در این زمینه پرداخته اما اشاره‌ای به نحوه پیشگیری از این جرم نکرده است. بنابراین نخستین خلاء قانونی در ایران، عدم جرم‌انگاری نسبت به مقوله خشونت است.

## لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار»

این لایحه پیش از این با نام «تامین امنیت زنان در برابر خشونت» شناخته می‌شد و البته در طول سال‌ها بارها نام آن تغییر کرد. لایحه منع خشونت علیه زنان دو هدف کلی را دنبال می‌کرد: بازدارندگی از خشونت علیه زنان و حمایت از زنان آسیب دیده. در این لایحه خشونت علیه زنان به‌طور کامل تعریف شده و مصادیق آن نیز به تفصیل برشمرده شده بود. این لایحه شامل سه بخش بازدارندگی، حفاظتی و حمایتی بود که شامل تقویت و تحکیم نظام

خانواده، تأمین حقوق زنان به منظور حفظ امنیت آنان، پیشگیری از خشونت علیه زنان و حمایت از زنان قربانی یا در معرض خشونت بود. این لایحه، خشونت را جرم دانسته و در آن آمده بود که هیچ کس حق ندارد در روابط خانوادگی، اماکن خصوصی، عمومی یا دولتی به قصد آسیب علیه زنان اقدام کند و در صورت ارتکاب، مطابق احکام این لایحه مجازات می‌شود.

نام لایحه مذکور در فروردین ماه سال ۱۴۰۲ به لایحه «پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» تغییر یافت و کلیات آن در مجلس به تصویب رسید. مواد این لایحه متناسب با مسائل روز و چالش‌های مبتلابه زنان تدوین شده و مسائل و مشکلات جسمی و روحی زنان را در نظر گرفته است. برای نمونه، قانونگذار در ماده ۳۰ این لایحه بیان می‌کند: «هرکس بدون رضایت و برخلاف تمایل زنی، به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا به هر وسیله دیگری پیام، تصویر یا نماد مستهجن یا مبتذل برای وی ارسال کند که نوعاً موجب آزار روحی نسبت به افراد متعارف می‌شود، در صورتی که پیام و تصاویر ارسالی مستهجن باشد به جزای نقدی درجه شش و در صورتی که مبتذل باشد، به جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود.» جرم انگاری آزار روحی نسبت به زنان پیش از این در قوانین دیگر وجود نداشت و این ماده از نقاط قوت لایحه ارتقای امنیت زنان محسوب می‌شود و نشان‌دهنده کارشناسی دقیق و موشکافانه مسائل حوزه زنان در این لایحه می‌باشد.

برخی دیگر از ویژگی‌های این لایحه عبارت‌اند از؛

جرم انگاری مصادیق خشونت علیه زنان

تشدید مجازات‌های موجود برای مرتکبان جرائم با موضوع خشونت علیه زنان

طراحی و پیش‌بینی نهادهای حمایتی

پیش‌بینی برای همکاری گسترده دستگاه‌های عمومی مانند؛ وزارت کشور، بهزیستی، وزارت

بهداشت، وزارت آموزش و پرورش و صداوسیما. با وجود اینکه کلیات لایحه پس از فراز و نشیب‌های بسیار در طول سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲ سرانجام در فروردین ماه ۱۴۰۲ به تصویب رسیده است اما همچنان سرنوشت آن نامعلوم می‌باشد و اختلاف نظرهای بسیاری درباره آن وجود دارد تا جاییکه تعدادی از نمایندگان مجلس، بعضی مواد آن را مخالف شرع و اسلام می‌دانند و اشکالاتی را مطرح می‌نمایند.

به این ترتیب و با وجود تلاش‌های صورت گرفته، همچنان در کشورمان قوانین مدون و کاملی درباره‌ی مبارزه با خشونت خانگی وجود ندارد؛ قوانینی که بتواند از زنان آسیب دیده که تعداد آن‌ها کم هم نیست، حمایت‌هایی حداقلی کند.

### نقش و جایگاه خشونت‌های خانگی در نگاه پلیس و رویکرد پلیس نسبت به آن‌ها

پلیس به‌عنوان مسئول حفظ نظم و امنیت جامعه و ضابطان دادگستری، در نهایت سرعت، دقت و قاطعیت و همچنین در نظر گرفتن مقررات آیین دادرسی کیفری، حفظ حریم خصوصی و رعایت حقوق شهروندی برای برخورد با خشونت‌های خانگی و جرایم مرتبط با آن در حوزه جرایم ارتكابی در خانواده‌ها در تلاش است. رویکرد پلیس، نوعاً رویکردی پیشگیرانه از وقوع و تشدید خشونت‌های خانگی و حمایت از بزه‌دیده است.

### رویکرد نظام تقنینی و دولتی نسبت به خشونت‌های خانگی و بزه‌دیدگان ناشی از آن

نگاه نظام تقنینی نسبت به خشونت‌های خانگی و بزه‌دیدگان آن، رویکردی حمایتی است که شامل حمایت‌های کیفری مستقیم و غیرمستقیم می‌شود. حمایت‌های کیفری مستقیم از نوع تلاش‌هایی است که خود نظام عدالت کیفری در جهت حمایت از مجنی‌علیه خشونت‌دیده به عمل می‌آورد. حمایت کیفری غیرمستقیم، فعالیت‌های حمایتی را دربرمی‌گیرد که به



نحوی مرتبط با دستگاه عدالت کیفری است.

## اختیارات پلیس در پاسخ به خشونت‌های خانگی در حقوق ایران

اختیارات پلیس در پاسخ به خشونت‌های خانگی در مورد فرد خشونت ورز و فرد خشونت‌دیده متفاوت است. تأمین امنیت بزه‌دیده، انتقال بزه‌دیده به مکان امن، دور کردن فرد خشونت‌ورز، بازداشت فرد خشونت‌ورز، ثبت شکایت شفاهی، معرفی به پزشکی قانونی و آگاهی به بزه‌دیده در خصوص حقوق خود از اختیارات و وظایف پلیس است.

## طرح‌ها و اقدامات انجام شده پلیس نسبت به خشونت‌های خانگی در حوزه حقوق شهروندی

دسترسی سریع فرد بزه‌دیده به پلیس برای گزارش وقوع خشونت خانگی و اقدام به موقع پلیس در جهت پاسخ به این نوع خشونت و حمایت از بزه‌دیده، یکی از مصادیق حقوق شهروندی است که ایجاد مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، از جمله طرح‌ها و اقدامات انجام شده پلیس نسبت به خشونت‌های خانگی در حوزه حقوق شهروندی است. البته بکارگیری نیروی پلیس زن در زمانی که زنان مورد خشونت خانگی قرار می‌گیرند نیز از نمونه این اقدامات در حوزه شهروندی است. علاوه بر این، باید از سازوکارهای دیگری مانند ۱۲۳ یا اورژانس اجتماعی نسبت به خشونت‌های به عمل آمده، خصوصا در حوزه کودکان در خانواده‌ها و از حیث خشونت‌های خانگی مربوطه در سازمان بهزیستی در وضع مشابه نیز یاد کرد.

## موانع و محدودیت‌های پیش‌روی پلیس در پاسخ به خشونت‌های خانگی در ایران

ممکن است گفته شود از مهم‌ترین اقدامات پلیس می‌تواند ورود به منزل کانون خشونت خانگی باشد که در نگاه نخست بسیار مطلوب به نظر می‌رسد، اما مشکل اساسی در فرآیند

رسیدگی است. این‌جا است که اولاً پلیس فقط در جرایم مشهود می‌تواند به دستور قسمت دوم ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ از اختیارات خود استفاده و حتی بدون اجازه مالک به منزل ورود کند که عبارت «تمام اقدامات» در ماده فوق‌الذکر ظهور در همین معنا را دارد، اما جرایم داخل در خشونت‌های خانگی جزو جرایم مشهود نیست و از این حیث پلیس اختیاراتی ندارد.

در ثانی با توجه به بعضی از قوانین مترقی از جمله قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۶ همچنین لزوم حفظ حریم خصوصی، این امر ممکن نخواهد بود. ثالثاً این‌که مأموران نیروی انتظامی که از ضابطان عام دادگستری هستند به موجب کسب مجوز از مقام قضائی می‌توانند به منزل ورود کنند، این امر هم به دلیل داشتن فرآیند تقریباً طولانی برای آن زمان میسر نخواهد بود.

## ضرورت‌ها و فرصت‌های پیش‌روی پلیس در خشونت‌های خانگی در ایران

مهم‌ترین ضرورت پلیس در تمامی جرایم به‌خصوص خشونت‌های خانگی، تأمین امنیت بزه‌دیده است. واکنش پلیس نسبت به خشونت‌های خانگی در شکل‌گیری تصویر ذهنی از دستگاه عدالت کیفری نقش بسزایی دارد. زنان نیز با توجه به این‌که پلیس نخستین مرجع پناه آنان در مورد بزه‌دیدگی‌شان در خشونت‌های خانگی محسوب می‌شود، اگر به این باور برسند که به دلیل نداشتن تأمین جانی ممکن است در معرض انتقام‌جویی قرار گیرند و پلیس نتواند پاسخ‌های به‌موقعی را به این پدیده مجرمانه بدهد، به گزارش خشونت‌های خانگی نخواهند پرداخت که این عدم گزارش، پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و جرم‌شناختی مختلفی را به دنبال خواهد داشت.

نقش و جایگاه پلیس به‌عنوان ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در راستای حقوق شهروندی مردم

پلیس در حوزه برخی از کشورها به‌طور کلی دارای اختیارات وسیعی است که بسیار دیده شده بعضی از مأموران پلیس از این اختیارات وسیع در جهت اجرای قانون بهره نبرده‌اند و در واقع، این اختیارات باعث سوءاستفاده شده است. لذا نقش و جایگاه پلیس در حقوق ایران و در راستای رسالت اصلی خود در همه اعصار قانونگذاری و به‌خصوص در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ و اصلاحی ۹۴ مبنی بر ضابطه‌مند کردن هرچه بیشتر وظایف‌شان در راستای حقوق شهروندی بوده که به تفصیل در مواد متعددی از این قانون بدان نیز پرداخته شده است.

### وظایف و کارکرد پلیس و وزارت کشور نسبت به خشونت‌های خانوادگی

در حوزه حمایت از بزه‌دیده به‌خصوص بزه‌دیده خشونت‌های خانگی، قوانین و نهادها از یکدیگر منفک نیستند، به همین دلیل نظام‌های حقوقی در فکر تصویب قوانین به شکلی کارآمد برآمده‌اند. بدون‌شک اگر وظایف و اختیارات پلیس در مواجهه با خشونت‌های خانگی با تصویب قانونگذار شکل مدون‌تری به خود بگیرد، قربانیان با اعتماد به این‌که در پناه قانون هستند، دیگر خودشان سعی در حل آن در حریم شخصی و خانوادگی ندارند. لذا، گزارش‌های واقعی‌تری درخصوص تعداد قربانیان این خشونت‌ها برای برنامه‌ریزی و ارائه‌ی راهکارهای مناسب در دسترس وزارت کشور و پلیس خواهد بود.

پیشنهادات و راهکار در راستای نقش و جایگاه پلیس برای کاهش خشونت‌های خانگی و حفظ و ارتقای حقوق شهروندی مردم

پیشنهادات تا در عمل مورد آزمایش قرار نگیرند، مشخص نخواهد شد که تا چه اندازه موثر و کاربردی خواهند بود اما به نظر برای کاهش خشونت‌های خانگی بهترین شیوه آموزش به فرد خشونت‌ورز و خشونت‌دیده از تبعات خشونت‌های خانگی و پیامدهای جرم‌شناختی و فرهنگی آن برای جامعه است. همچنین تخصیص مأمور ویژه رسیدگی به خشونت خانگی، نصب زنگ‌خطر در منزل فرد خشونت‌دیده برای اعلام خشونت به پلیس و تصویب ماده واحده‌ای با تأکید بر قاعده فقهی «الاهم فالاهم» برای بیشتر شدن اختیارات پلیس در پاسخ به خشونت‌های خانگی با تأکید بر حقوق شهروندی می‌تواند در راستای نقش و جایگاه پلیس برای جلوگیری از وقوع و تشدید این نوع خشونت باشد.



# مقایسه‌ی تطبیقی حقوق زنان شاغل در ایران و کانادا

الهه حاجی حسینی

دانشجو کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

زنان را به انتخاب شغل دلخواهشان تشویق و حمایت می‌کند.

طبق اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی رعایت کند و شرایطی را برای آنان فراهم آورد از جمله ایجاد زمینه‌ای مساعد برای کار، حمایت مادران در دوره‌ی بارداری، حضانت فرزندان، بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

حال به بررسی حقوق زنان مخصوصاً مادران در محیط کار به صورت اجمالی می‌پردازیم:

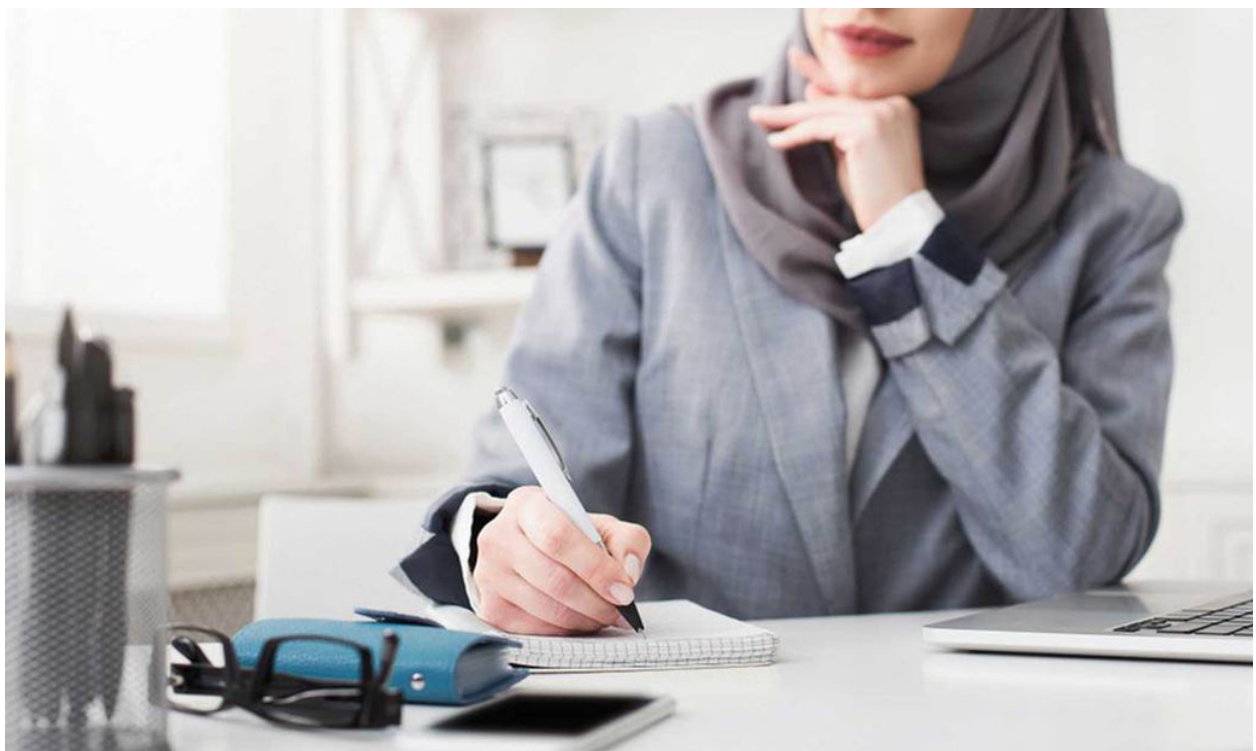
یکی از این حقوق‌ها مرخصی زایمان می‌باشد که طی سال‌های متمادی ۲ ماه بود تا اینکه در سال ۱۳۹۲ مطابق قانون اصلاح تنظیم جمعیت خانواده ۹ ماه شد.

کمک هزینه باروری که معادل دو سوم میانگین آخرین حقوق دریافتی در ۹۰ روز قبل از مرخصی می‌باشد.

زنان به عنوان عضو مهمی از جامعه جایگاه والایی دارند. امروزه شاهد حضور و فعالیت‌های آنان در حوزه‌های مختلف هستیم. زنان همواره در طول تاریخ ثابت کرده‌اند که قوی، مسئولیت‌پذیر، مستقل و خواهان عدالت در تمام زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هستند. حضور زنان در محیط‌های کاری روز به روز افزایش می‌یابد و مانند گذشته مردان بار این مسئولیت را تنها به دوش نمی‌کشند.

اما سوال مهم و اساسی این است که بانوان ایران زمین مخصوصاً مادران در محیط کار دارای چه حقوقی هستند؟ تفاوت حقوق مادران ایرانی با مادران در کشورهای اروپایی از جمله کانادا چیست؟

برای پاسخ به این سوال ابتدا به قانون اساسی مراجعه می‌کنیم. قانون اساسی اولین و مهم‌ترین حقوق هر کشور می‌باشد که چارچوب آن کشور بر پایه آن است. قانون اساسی مردان و



یکی دیگر از آن‌ها مرخصی شیر دهی است.

تناسب شرایط کار با وضعیت بانوان یکی دیگر از حقوق می‌باشد. برای مثال کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور در محیط کار به آن‌ها تحمیل نشود.

و در نهایت حقوق بازنشستگی زنان می‌باشد که طبق ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی، سن بازنشستگی حداکثر ۵۵ سال است. البته زنان با ۲۰ سال سابقه کار هم می‌توانند خود را بازنشسته کنند.

حال می‌خواهیم به بررسی حقوق کار زنان کانادا بپردازیم زیرا مقایسه حقوق زنان در ایران و کانادا به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم تا چه اندازه تفاوت وجود دارد و این تفاوت‌ها چقدر اساسی می‌باشند.

اوایل قرن ۲ زمانی است که زنان برای اولین بار شروع به مطالبه حق رای کردند. دستاوردهای آنان در این زمان دستمزد برابر، حقوق باروری، مرخصی زایمان و مبارزه با خشونت علیه زنان بود. اما با وجود این دستاوردها همچنان مبارزات زیادی در مورد حقوق زنان در کانادا وجود دارد. با اینکه کانادا بیش از ۷۰ سال است که قانون حقوق برابر دارد اما زنان در بسیاری از صنایع و مشاغل کمتر از مردان درآمد دارند. با وجود اینکه زنان بیش از نیمی از جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهند آن‌ها در مناصب سیاسی کمتر حضور دارند و از سال ۲۰۲۱ زنان تنها ۲۹ درصد از کرسی مجلس را در اختیار دارند. با این حال کانادا در سال‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی در پیشبرد حقوق زنان داشته اما هنوز هم کارهای زیادی برای انجام در پیش دارد.

مرخصی زایمان در کانادا با توجه به نوع برنامه‌ای که والدین انتخاب می‌کنند ممکن است بین ۱۵ تا ۱۸ هفته (تقریباً ۳-۴ ماه) یا ۳۷ هفته باشد که وابسته به استان و شرایط شخص متغیر است. در حالی که مرخصی زایمان در ایران ۹ ماه می‌باشد.

کمک هزینه باروری در کانادا بین ۷۰ تا ۷۵ درصد از حقوق دریافتی شخص است.

ساعت کاری در ایران بنا به درخواست متقاضی از دستگاه اجرایی ۳۶ ساعت می‌باشد که با دریافتی حقوق و مزایا به ۴۴ ساعت هم می‌رسد اما استاندارد ساعت کاری در کانادا ۴۰ ساعت است. این مطلب نشان می‌دهد که کارمندان تمام وقت کار می‌کنند. البته ممکن است نسبت به استان و منطقه به ۴۴ ساعت هم برسد.

سن بازنشستگی در ایران با وجود ۲۰ سال سابقه کار ۵۵ سالگی است اما شروع سن بازنشستگی در کانادا ۶۵ سال است اما می‌توان چند سال زودتر و یا چند سال دیرتر خود را بازنشسته کرد که نسبت به شغل و وضعیت افراد متفاوت است.

با مقایسه و بررسی اجمالی می‌توان تفاوت‌های بسیاری را مشاهده کرد. شاید در اعداد شاهد اختلاف باشیم اما در زندگی و شرایط افراد می‌تواند تفاوت‌های چشمگیری به جا بگذارد.



# Comparative comparison of working women's rights in Iran and Canada

Elahe haji Hosseini

Bachelor's student of Islamic jurisprudence and fundamentals of law

Women have a great position as a large member of the community.

Today we see their presence in various fields. Throughout history, women have proven that they are strong, responsible, independent and want justice in all social, cultural and economic fields.

The presence of women in the workplace is increasing day by day and as in the past, men do not work alone. The most important and fundamental question is about Iranian women's right especially mothers in the work environment? what is the difference between the rights of Iranian mothers and mothers in European countries including Canada?

To answer, we refer to the constitution. The constitution is the first and most important right of any country, which is the framework of the country.

Iran's constitution encourages and supports men and women to choose their desired job.

According to Article 21 of the Constitution, the government is obliged to respect women's rights in all respects in accordance with Islamic standards and provide conditions for them, including creating a favorable environment for work, supporting mothers during pregnancy, custody of children, special insurance for widows and Elderly and homeless women

Now we will review the rights of

women, especially mothers, in the work environment

One of these rights is maternity leave, which was 2 months for many years until it became 9 months in 2013 according to the Family Planning Amendment Law.

Fertility allowance, which is equal to two-thirds of the average of the last salary received in the 90 days before the leave.

Another of them is breastfeeding leave Suitability of working conditions to the status of women is another right. For



example, dangerous, hard and harmful work should not be imposed on them in the work environment

And finally, the retirement rights of women, according to Article 76 of social security, the maximum retirement age is 55 years. Of course, women can retire with 20 years of work experience

Now we want to examine Canadian women's labor rights that go back to the beginning of the 2nd century.

When women started demanding the right to vote for the first time and their achievements were equal pay, reproductive rights, maternity leave and violence against women.

But despite these achievements, there are still many struggles for women's rights in Canada. Although Canada has had equal rights laws for more than 70 years, women earn less than men in many industries and jobs.

Although women make up more than half of Canada's population, they are less represented in political positions and women hold only %29 of the seats in the parliament. However, Canada has made significant progress in advancing women's rights in recent years, but still has a lot to do.

The comparison of women's rights in Iran and Canada helps us to understand how much difference there is and how fundamental these differences are.

Maternity leave in Canada may be between 15 and 18 weeks (approximately 4-3 months) or 37 weeks, depending on the province and the person, according to the type of programs that parents choose. while in Iran it is 9 months.

Fertility allowance in Canada is between %75-70 of a person's salary

The working hours in Iran are 36 hours upon the request of the applicant from the executive body, which can be increased to 44 hours upon receipt of salary and benefits, but the standard working hours in Canada is 40 hours. This article shows that employees work full time, which of course may reach 44 hours depending on the province and region.

The retirement age in Iran is 55 years despite 20 years of work experience, but the starting age of retirement in Canada is 65 years, but you can retire a few years earlier or a few years later, which is different according to the job and status of people.

Many differences can be observed by comparison and overview. We may see a difference in the numbers, but it can leave significant differences in people's lives and conditions



جمعی از نمایندگان مجلس و کارشناسان طرحی را تدوین کرده‌اند که در صورت هنجارشکنی دانشجویان در دانشگاه‌ها و ارتکاب جرمی همچون ایجاد آشوب و بلوا، تخریب اموال، فحاشی و توهین به مقدسات در دانشگاه‌ها و هرگونه اقدامی که در روند ماموریت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه اخلاص ایجاد کند، ضمن صدور احکام انضباطی، متخلفین را محکوم به پرداخت کل هزینه‌های تحصیل در آن مقطع آموزشی کنند. از دیگر مجازات‌های مطرح شده در این طرح ممنوع الخروجی به مدت ۱۰ سال است.

در این طرح پیش بینی شده در صورتی که دانشجویان از اقدامات هنجارشکنانه ابراز پشیمانی کنند، مجازات‌های فوق تخفیف خواهد یافت و یا در صورت رفع نیاز کشور و خدمت رسانی مجازات آن‌ها بخشیده خواهد شد.

ممنوع الخروجی ده ساله، پرداخت کل هزینه تحصیل و مصادیقی از این جنس، در تضاد با نص قانون



اساسی و محروم سازی دانشجوی بعنوان شهروند از حقوق اساسی تلقی شده که خود زمینه ساز بحرانی دیگر می‌تواند باشد.

## ممنوع الخروجی در قوانین

به‌طور کلی و شایع در قوانین کیفری چهار حالت ممنوع‌الخروجی متصور است. در حالتی دادسرا به‌منظور دسترسی به متهم و جلوگیری از فرار وی از کشور مبادرت به صدور دستور ممنوع‌الخروجی می‌کند و در حالتی دیگر، منع خروج فرد از کشور در قالب قرارهای نظارت قضائی و پس از حضور متهم در مرجع قضائی و تفهیم اتهام به او صورت می‌گیرد که در هر دو موارد، مدت اعتبار دستور یا قرار صادره شش‌ماهه و قابل تمدید است.

از طرفی قانون‌گذار اجازه ممنوع‌الخروج کردن شخصی را که براساس حکم قطعی کیفری محکوم شده است برای اجرای حکم براساس ضوابط در مرحله اجرای احکام کیفری پیش‌بینی کرده است.

نازیلا دباغ

پژوهشگر دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

درباره ممنوع‌الخروجی به‌عنوان مجازات تکمیلی نیز قانون مجازات اسلامی حالتی را در نظر گرفته است که در مواردی که خروج شخصی از کشور مخالف منافع و شئون قانونی و شرعی باشد نیز امکان ممنوع‌الخروجی بزهکاران به مدت مشخص وجود دارد. مثلاً شخصی که خارج از کشور اقدام به تکدی‌گری یا سرقت می‌کند و به پرونده وی در کشور رسیدگی شده، قاضی می‌تواند به‌عنوان مجازات تکمیلی در کنار مجازات اصلی او را از آزادی تردد منع کند.

همچنین در مورد تجار نیز براساس ماده ۱۷ قانون گذرنامه دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین‌نامه تعیین می‌شود، جلوگیری کند. یا در قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز با جمع شرایطی برای وصول محکوم به، امکان ممنوع‌الخروجی محکوم‌علیه مالی پیش‌بینی شده است.

اما نسبت به آنچه تاکنون گفته شد، در هیچ موردی از ممنوع‌الخروجی به‌عنوان مجازات استفاده نشده است و صرفاً در یک مورد خاص که به‌عنوان مجازات تکمیلی بود، قاضی باید با توجه به نیاز به کاهش آثار زیانبار اقدامات فرد بزهکار بنا بر نوع جرم ارتكابی و ظن تکرار آن که شئون ایران و ایرانی را در جامعه بین‌الملل تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، از ممنوع‌الخروجی به‌عنوان مجازات تکمیلی که اختیاری نیز هست، استفاده کند (نه مجازات اصلی).

### **تدوین طرحی برای تنبیه دانشجویان «هنجارشکن»: از ممنوع‌الخروجی تا پرداخت کل هزینه تحصیل در مقطع تحصیلی**

برخی نمایندگان طرحی را تدوین کرده‌اند که در صورت هنجارشکنی دانشجویان در دانشگاه‌ها و ارتکاب جرائمی همچون ایجاد آشوب و بلوا، تخریب اموال، فحاشی و توهین به مقدسات در دانشگاه‌ها و هرگونه اقدامی که در روند ماموریت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه اخلاص ایجاد کند، ضمن صدور احکام انضباطی، متخلفین را محکوم به پرداخت کل هزینه‌های تحصیل در آن مقطع آموزشی کنند.

از دیگر مجازات‌های مطرح شده در این طرح ممنوع‌الخروجی به مدت ۱۰ سال است.

در این طرح پیش‌بینی شده در صورتی که دانشجویان از اقدامات هنجارشکنانه ابراز پشیمانی کنند، مجازات‌های فوق تخفیف خواهد یافت.

### **بررسی حقوق پیش‌بینی شده‌ی دانشجویان معترض در قوانین و نتیجه‌گیری**

به استناد ماده‌ی ۷ منشور حقوق دانشجویی: «شهروندان از حق آزادی اندیشه و بیان برخوردارند. این حق شامل آزادی ابراز، ترویج و انتشار اندیشه‌ها و عقاید به صورت شفاهی، کتبی، الکترونیکی یا به هر وسیله‌ی دیگر به انتخاب خود شهروند با رعایت قانون است. همچنین تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به پذیرش یا داشتن اندیشه‌ای خاص مجبور یا از آن منع کرد.»

\* بنابر ماده‌ی ۴۶ منشور حقوق دانشجویی: «دانشجویان حق دارند از عملکرد مسئولان دانشگاه و سیاست‌ها و رویه‌های کشور انتقاد کنند و نقد خود را از مسیرهای قانونی از جمله نشریات دانشجویی، شوراهای صنفی و رفاهی و تشکل‌های اسلامی بیان کنند.»

\* ماده‌ی ۱۲ منشور حقوق دانشجویی: «تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت‌آمیز، بدون حمل سلاح و به گونه‌ای که مخل مبانی اسلام نباشد، آزاد است.»

\* ماده‌ی ۴۵ منشور حقوق دانشجویی: «آزادی بیان از حقوق اساسی و اولیه‌ی دانشجویان است و



در فضای دانشگاه، ظرفیت‌های متنوعی برای تحقق آن در نظر گرفته شده است. از آن جمله می‌توان به شکل‌های اسلامی، نشریات دانشجویی، کرسی‌های آزاد اندیشی (در قالب کرسی مناظره، کرسی نقد و نظر، کرسی پرسش و پاسخ شبهات) و خانه‌ی ملی گفت‌وگوی آزاد اشاره کرد.»

\* همچنین با توجه به ماده‌ی ۵۳ منشور حقوق دانشجویی: حتی اگر تخلفی در محدوده‌ی دانشگاه صورت گیرد «یگانه مرجع صالح رسیدگی به تخلفات دانشجویان، شوراهای انضباطی است و هیچ مرجع دیگری حق دخالت در این امر را ندارد.»

\* با توجه به نص صریح منشور حقوق دانشجویی که برگرفته از قانون اساسی و سایر قوانین است موارد اشاره شده در دادنامه مغایر با حقوق دانشجویی و شهروندی است.

\* اگر بنا باشد دستگاه قضا تجمع در دانشگاه، تنظیم بیانیه و صحبت در تریبون‌های آزاد اندیشی را مصداق جرم بداند عملاً تمام فعالین دانشجویی مجرم محسوب خواهند شد.

\* شرکت در کرسی‌های آزاد اندیشی که با مجوز مسئولان دانشگاه از جمله معاونت فرهنگی برگزار می‌شود، در دادنامه‌های صادره علیه دانشجویان مصداق جرم تلقی شده است. آیا این مسئله چیزی جز ایجاد فضای یاس و ناامیدی در بین دانشجویان برای مشارکت در جامعه ایجاد می‌کند؟

\* معاونت فرهنگی و ریاست دانشگاه‌ها چه میزان خود را در قبال چنین وضعی مسئول می‌دانند؟

\* در پی اعتراضات دانشجویان از احکام قضایی صادر شده برای فعالین صنفی ریاست جمهور، وزیر علوم، نمایندگان مجلس و دیگر مسئولین اظهار داشتند که به دنبال پیگیری وضعیت دانشجویان هستند اما هنوز چنین برخوردهایی ادامه دارد و حرمت دانشگاه شکسته شده است.

## ممنوع الخروج



## بایسته‌های قرارداد نویسی میان مالک و مستاجر

محدثه ملک زاده

دانشجو کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

«مستاجر» کسی است که منافع عین را اجاره می‌کند و عین مستاجر چیزی است که آن را اجاره می‌دهند. (طبق ماده ۴۶۷: مورد اجاره ممکن است اشیاء یا حیوان یا انسان باشد) یکی از الزامات عقد اجاره این است که طرفین شرایط انعقاد عقد را داشته باشند.

ماده ۱۹۰ قانون مدنی شرایط اساسی در هر قراردادی را ذکر می‌کند؛

۱. طرفین باید اهلیت داشته باشند یعنی عاقل بالغ و رشید باشند اگر مجنون عقدی را منعقد کرد به دلیل نداشتن اهلیت عقل باطل است همچنین فرد ورشکسته نمی‌تواند در اموال خودش تصرف کند پس نمی‌تواند اجاره را منعقد کند.

۲. طرفین نسبت به عقد قاصد باشند و رضایت کامل داشته باشد یعنی اگر فرد نسبت به قرارداد اجاره قصد نداشت عقد باطل و اگر رضایت نداشت باعث غیر نافذ بودن عقد می‌شود.

۳. موضوع مورد معامله باید معلوم و معین باشد و ۴. حتماً مشروعیت داشته باشد.

در ماده ۴۷۲ قانون مدنی می‌خوانیم که عین مستاجر باید معین باشد و اجاره عین مجهول یا مردد باطل است و اگر منفعتی که اجاره داده می‌شود در راه غیر مشروع باشد برای مثال برای قمارخانه باشد عقد باطل است.

عقد اجاره یکی از مهم‌ترین موضوعات و مسائل روز کشورمان است چرا که در این روزها افراد زیادی هستند که قابلیت خریدن خانه ندارند و بالطبع به اجاره کردن مسکن روی می‌آورند اما در دادگاه‌ها شاهد دعاوی مختلف و فراوانی بین موجر و مستاجر هستیم که اکثر آن‌ها به دلیل نداشتن اطلاعات کافی راجع به عقد اجاره و بایسته‌های انعقاد این عقد هستند. لذا در تلاشی که با گفتن قواعد و قوانین مربوط به عقد اجاره طرفیت این قرارداد را از شرایط آن آگاه کنیم.

### عقد اجاره در قانون مدنی

در ابتدا به تعریف عقد اجاره می‌پردازیم؛ ماده ۴۶۶ قانون مدنی اجاره را چنین تعریف می‌کند: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستاجر مالک منافع عین مستاجر می‌شود. اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستاجر و مورد اجاره را عین مستاجر گویند.»

پس مسئله‌ای که از این ماده می‌توان فهمید این است که مستاجر مالک عین نمی‌شود بلکه مالک منافع آن عین است مثلاً کسی که خانه‌ای را اجاره می‌کند مالک خانه نمی‌شود بلکه مالک منافع خانه، که سکونت در آن است، می‌شود.

طبق این ماده طرفین قرارداد موجر و مستاجر و عین مستاجر هستند. «موجر» به کسی می‌گویند که منافع عین را اجاره می‌دهد و

منظور از معلوم بودن آن است که موجر عینی را که اجاره می‌دهد به صورت واضح مشخص کند و عینی نباشد که مجهول باشد و معلوم بودن و معین بودن متفاوت است چرا که منظور از معین بودن را می‌توان به معین بودن زمان اجاره مسافت مورد اجاره و نحوه کاربری مورد اجاره اشاره کرد مثلاً باید معین کنند که برای چه مدتی آن را اجاره می‌دهند و ابتدا و انتهای مدت اجاره را در متن قرارداد قید کند. «در اجاره اشیا مدت اجاره باید معین باشد و الا اجاره باطل است.» (ماده ۴۶۸ قانون مدنی) و اگر ابتدای مدت اجاره معین نشود طبق ماده ۴۶۹ قانون مدنی «مدت اجاره از روزی شروع می‌شود که بین طرفین مقرر شده و اگر در عقد اجاره ابتدای مدت ذکر نشده باشد از وقت عقد محسوب می‌شود.»


یکی دیگر از شروط مقدر التسلیم بودن عین مستاجر است. (ماده ۴۷۰ قانون مدنی) لذا در غیر این صورت عقد باطل است و طبق ماده ۴۷۶ قانون مدنی موجر باید عین مستاجر را تسلیم مستاجر کند و در صورت امتناع موجر اجبار می‌شود و در صورت امتناع اجبار مستاجر حق خیار فسخ دارد. گاهی ممکن است موجر عین مستاجر را تسلیم کرده باشد ولی مستاجر نتواند از آن استفاده کند که در اینجا دو عذر پیش می‌آید یکی از آن است بدین معنا که هر کسی جای مستاجر بود امکان استفاده از این مورد اجاره را نداشت و مثلاً زلزله آمده و خانه خراب شده است در اینجا عذری که به وجود آمده است مربوط به شخص مستاجر نیست بلکه یک چیز عام و فراگیر همه هست و «عذر عام» به منزله تلف عین مستاجر است در اینجا برای هر دو طرف خیار فسخ ثبوت پیدا می‌کند و می‌توانند عقد اجاره را فسخ کنند.

دیگری «عذر خاص» است که مربوط به شخص مستاجر است و اگر فرد دیگری جای مستاجر باشد می‌تواند از عین مستاجر استفاده کند. مثلاً فردی مغازه‌ای را اجاره کرده ولی به علت بیماری نمی‌تواند در آن مغازه کار کند در اینجا نمی‌تواند عقد را فسخ کند چون عذر خاص است.

یکی دیگر از شرایطی که باید در عقد اجاره رعایت شود این است که این مورد اجاره چیزی نباشد که با استفاده از آن عین از بین برود بلکه باید با استفاده از آن عین هم باقی بماند. اگر فردی یک عدد میوه را اجاره دهد عقد باطل است چون با استفاده از آن میوه از بین می‌رود. (ماده ۴۷۱ قانون مدنی)

در ماده ۴۷۳ قانون مدنی می‌خوانیم که فرد نباید حتماً مالک عین باشد بلکه می‌تواند مالک منافع عین باشد و در این صورت قابلیت اجاره منافع این را دارد. پس اگر مستاجری منافع عین مستاجر را اجاره دهد صحیح است مگر اینکه خلاف آن در عقد اجاره شرط شده باشد. (ماده ۴۷۴ قانون مدنی) نکته قابل توجه دیگر آن است که اگر یک مالی مشاع باشد هر یک از شرکا می‌توانند سهم خودشان را اجاره دهد ولی مشروط به اینکه مابقی شرکا نسبت به آن رضایت داشته باشند و به او اذن دهند. (ماده ۴۷۵ قانون مدنی) گاهی عینی را که مستاجر اجاره می‌کند معیوب است. طبق ماده ۴۷۷ قانون مدنی عیب باید به گونه‌ای باشد که باعث نقصان منفعت یا صعوبت در انتفاع باشد. در این گونه موارد تکلیف موجر و مستاجر چیست؟ طبق مواد ۴۷۸ و ۴۸۴ و ۴۸۱ قانون مدنی اگر در عین مورد اجاره عیبی به وجود آمد قانونگذار برای مستاجر حق خیار قائل شده است. بدین گونه که او می‌تواند اجاره را فسخ کند یا به همان اجاره با تمام اجرت رضایت دهد ولی اگر موجر بتواند عیب را رفع کند و از این راه ضرری به مستاجر نرسد، حق فسخ ندارد. اما اگر عیب به نحوی باشد که نتوان رفع کرد، عقد اجاره باطل می‌شود. اینها در زمانی است که در ابتدای عقد اجاره پدیدار می‌شود ولی اگر در اثنای اجاره معیوب شود مستاجر نسبت به مابقی مدت اجاره حق خیار دارد.

تا اینجا به نکات کلی و ابتدایی عقد اجاره پرداختیم و ورود به ریز موارد این عقد از حوصله موضوع مطلب ما خارج است. امیدواریم که با ذکر این موارد کمک هر چند کوچکی کرده باشیم.



# بررسی وضعیت حقوق زنان زندانی و کودکان آنها

اسما میره  
دانشجوی کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

قضایی به عنوان شهروند و شاهد و یا مجری عدالت حضور دارد. با وجود اینکه در گذشته میزان جرایم زنان نسبت به جایگاه آنها در جامعه به عنوان شهروند درجه دو توجیه می شد اما تغییر نقش اجتماعی و افزایش حضورشان در جامعه تغییری در میزان جرایم ایجاد نکرده است. عمده جرایم زنان زندانی؛ حمل مواد، سرقت و جیب بری است.

برخی از مادران زندانی باردار و بعضی دارای فرزند هستند. بیشتر آنها فرزندانشان به بهزیستی سپرده می شود و بدین ترتیب فرزندان مادران زندانی که خارج از زندان هستند، از کمبود عاطفی به دلیل نداشتن مادر رنج می برند و بر اساس برخی مطالعات، کودکی که در زندان

زندان بعنوان یکی از ابزارهای کیفری مجرمین از گذشته تا به امروز بوده و هدف از ایجاد و تاسیس زندانها و مجازات کاهش جرم و برقراری امنیت و نظم است اما بر اساس برخی از آمارها، زندان نه تنها نقش در کاهش جرم نداشته بلکه به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است. آمار نشان داده در سال ۲۰۱۶ بیش از ۷۰۰ هزار زن و دختر در سراسر ایران در زندان به سر می برند که این رقم یک سوم مردان است.

## وضعیت زنان در زندان

زن به عنوان عضوی از جامعه جایگاه و نقشهای متفاوتی را در نظامهای اجرایی دارد. گاه از وقوع جرمی لطمه می بیند و گاه خود به انجام آن متهم است و گاه در زمین عدالت

## تاثیر والدین زندانی بر فرزندان

از عوامل موثر بر بزهکاری افراد، از هم گسیختگی خانواده است. خانواده‌ای که یکی از والدین آن‌ها در زندان بسر می‌برد، می‌تواند در اختلال شخصیتی کودکان تاثیر زیادی داشته باشد. معمولا فرزندان چنین خانواده‌ای بدبین و بدگمان هستند.

کودکانی که مادران آن‌ها محکوم به زندان هستند، مجبورند بهترین سال‌های عمر خود را در زندان به بهای داشتن مهر مادری سپری کنند. اتفاقی که زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات بعدی می‌شود و این افراد را دچار سرخوردگی و انحراف می‌کند.

بنابراین با توجه به ضرورت حمایت جدی از این کودکان، اگر مجازات‌های جایگزین یا تاخیر در مجازات مادر انجام شود می‌توان تا حدی کمبودهایی را که این کودکان با آن روبه رو هستند را جبران کرد.

برای نمونه حمایت‌های لازم از کودکان در زندان می‌تواند با راه اندازی مهدکودک‌های مناسب صورت بگیرد. در این مهدکودک‌ها به منظور رفع نیازهای جسمی، عاطفی و ذهنی کودکان، متناسب با شرایط ویژه آن‌ها، آموزش‌هایی داده می‌شود. بنابراین یک بخش از حمایت از طرف خود مهدکودک‌ها تامین می‌شود.



به دنیا می‌آید، در یک چرخه غیرنسلی باز به زندان بر می‌گردد.

در مواردی وجود فرزند خردسال ممکن است مجازات حبس مادر را به تعویق بیندازد. براساس ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری اجرای مجازات به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد:

۱- دوران بارداری

۲- پس از زایمان حداکثر تا شش ماه

۳- دوران شیردهی نوزاد حداکثر تا دو سالگی

## کودکان متولد از مادران زندانی

طبق قانون نوزاد تا دوسالگی می‌تواند در زندان و کنار مادرش باشد. زنان مجرمی که در حال گذراندن احکام حبس خودشان هستند شرایط خانوادگی متفاوتی دارند. برخی از زنان، سرپرست دیگری برای فرزندشان ندارند و بعد از دوسالگی هم مجبور هستند خودشان از فرزند نگهداری کنند اما بهتر است بعد از دو سالگی بچه‌ها در زندان نباشند اگرچه بودن در کنار مادر مهم است.

از آنجا که شرایط زندان فضای مناسبی برای کودکان نیست، بعد از دو سال قاضی پرونده ممکن است رسیدگی دوباره‌ای داشته باشد و بخواهد در مجازات مادر تخفیف قائل شود. از نظر قانونی حضانت فرزندان تا ۷ سالگی بر عهده مادر است و بعد از هفت سالگی به تشخیص دادگاه می‌باشد. معمولا بعد از ۷ سالگی حضانت فرزند به پدرش داده می‌شود.

قاضی در صورت احراز شرایط ذیل، کودکان زیر ۷ سال را نیز به بهزیستی یا مراکز شبه خانواده می‌سپارد:

الف. شرایط مناسبی برای بودن بچه در کنار مادر نباشد و حتی خطرناک باشد. ب. پدری وجود نداشته باشد. ج. در بستگان درجه اول هم کسی نباشد که بتواند از کودک نگهداری کند.

# اهمیت تسلط بر زبان تخصصی حقوق در قرارداد ورزشی

بکتا کریمی

دانشجو کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی

مدت در قراردادهای ورزشی تعیین یک تا چند فصل رقابت‌های ورزشی است. باشگاه در خارج از مدتی که در قرارداد ذکر می‌شود نمی‌تواند از خدمات بازیکن منتفع شود مگر آنکه قرارداد به شیوه‌ای تمدید گردد. از آنجایی که قراردادهای ورزشی ماهیتی خاص دارند و انسان در آن نقش و ارزش عمده را ایفا می‌کند نمی‌توان آن را به صورت یک قرارداد دائمی منعقد کرد چرا که ماهیت آن در تضاد آشکار است. مبلغ در قراردادهای ورزشی باید به صورت مقطوع تعیین شود یا اینکه مبلغ قابل محاسبه‌ای باشد و نمی‌توان آن را به صورت مبهم و مجمل ذکر کرد.

**محل تنظیم قرارداد و محل انجام تعهدات قراردادی؛** محل تنظیم قرارداد در موضوعات مربوط به قانون حاکم بر قرارداد ورزشی و برخی مسائل اثباتی موثر است و محل انجام تعهدات قراردادی به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با موضوع قرارداد دارد مهم است.

یکی از مسائل قابل توجه در این مورد نگاهی به اهمیت ترجمه لغات و تعدد معانی خاص و حقوقی آن‌هاست برای مثال کسی که وکیل بین‌المللی است علاوه بر دانستن زبان عمومی واجب است زبان حقوقی تخصصی نیز متوجه شود به دلیل اینکه خیلی از کلمات در زبان عمومی معنی خودشان را دارند ولی در بحث حقوقی تغییر معنا می‌دهند. مثال دیگر اینکه علاوه بر نوشتن قرارداد حرف زدن به همراه بازیکنان خارجی نیز اهمیت این زبان را بیشتر نشان می‌دهد چون در بستن قرارداد با ایشان زبان بین‌المللی علی‌الخصوص زبانی که متوجه فهم خود شخص باشد کاربردی است. اکنون به بیان برخی از لغات کاربردی و تخصصی

امروزه در ارتباطات تجاری بین‌المللی انگلیسی برای حقوقدانان و توانایی مذاکره موفق حقوقی و صحبت کردن درباره قانون به زبان انگلیسی درست اهمیت دارد. قراردادهای ورزشی در ایران اغلب مسأله ساز و پرچالش بوده است چرا که در خصوص قوانین ورزشی و قواعد حاکم بر قراردادهای ورزشی شناخت و آگاهی کافی وجود ندارد و معمولاً اهالی ورزش پس از اینکه مشکلی به وجود می‌آید به دنبال شناخت اصول و حقوق حاکم بر قرارداد ورزشی می‌افتند ضرورت تنظیم قراردادهای ورزشی مثل تمامی روابط اجتماعی به موضوع آگاهی افراد از حقوق و تعهدات و مسئولیت‌هایشان و روشن شدن جایگاه حقوقی آن‌ها در قبال هم بازمی‌گردد.

در این مقاله به بررسی اهمیت زبان تخصصی در قراردادهای ورزشی می‌پردازیم.

در قدم اول چستی قرار داد ورزشی را بیان می‌کنیم

**طرفین قرارداد ورزشی؛** طبیعتاً یکی از طرفین در قرارداد ورزشی بازیکن است. اساس در قراردادهای ورزشی امکان واگذاری قرارداد وجود ندارد و بازیکن باید خود تعهدات قراردادی را انجام دهد.

**موضوع قرارداد ورزشی؛** موضوع قرارداد عبارت است از مجموعه انتظارات و تعهدات بازیکن در قبال باشگاه که در برابر آن تعهدات باشگاه به پرداخت دستمزد و ایجاد تسهیلات لازم در قرارداد ورزشی ملزم می‌شود.

**مدت قرارداد و مبلغ آن؛** برای آنکه تعیین شود بازیکن مهارت و تکنیک و قدرت فکری و توانایی جسمی خود را در چه بازه زمانی در اختیار منافع طرف دیگر قرارداد قرار می‌دهد، مدت در قرارداد ورزشی تعیین می‌شود. متداول‌ترین شیوه تعیین

قراردادی می‌پردازیم:

۱. Consultant: مشاور ۲. Client: مشتری، ارباب رجوع، موکل ۳. Contractor: پیمانکار ۴. Contract: قرارداد ۵. Tender: مناقصه ۶. Vendor: نماینده فروش در قرارداد ۷. Scope: حیطه عمل ۸. Contortium: ائتلاف چند شرکت، کنسرسیوم ۹. Agreement: موافقت، پیمان ۱۰. Parties: طرف‌های قرارداد ۱۱. Addendum: ضمیمه، الحاقیه ۱۲. lump sum: مبلغ کل ۱۳. bond: وجه الضمانه ۱۴. Specimen: نمونه

**شرایط و تعهدات طرفین؛** موارد حق فسخ و نحوه اعمال حق فسخ در قرارداد ورزشی هر نوع ابهام در خصوص این بند می‌تواند اساس یک قرارداد را با مشکلات جدی مواجه سازد.

**هزینه‌های اجرای قرارداد ورزشی؛** این هزینه طیف وسیعی از هزینه‌ها را شامل می‌شود که از اجاره محل تمرین تا مسابقه و وسایل و ابزارها و لباس‌های ورزشی و ... را در برمی‌گیرد.

هزینه‌های اجرای قرارداد ورزشی به باشگاه‌ها معطوف است ولی این امر و حدود مسئولیت باشگاه باید در قرارداد ذکر شود.

**ضمانت اجراها و شیوه حل و فصل اختلافات قراردادی؛** طرفین یک قرارداد ورزشی می‌توانند ضمن تعیین ضمانت اجرا در صورت عدم انجام تعهدات قراردادی یا اجرای نامناسب این تعهدات، شیوه حل و فصل اختلافات خود را تعیین کنند. مثلاً می‌توانند با توجه به محرمانه و خصوصی بودن از شیوه داوری در حل و فصل اختلافات خود بهره بگیرند.

از جمله قراردادهای ورزشی بین‌المللی ایران به قرارداد ایران و کارلوس کی‌روش می‌توان اشاره کرد برای مثال بدیهیست که در اعمال این قرار دادهای نیازمند زبان تخصصی حقوق هستیم (انگلیسی و فرانسوی) چون همانطور که می‌دانیم منشأ حقوق ایران، حقوق کشور فرانسه است که اگر مسلط به زبان تخصصی نباشند با انواع چالش‌های حقوقی مواجه می‌شوند.





دانشگاه الزهراء